

**مبانی بخش عمومی
در
اقتصاد اسلامی**

حسن آقا نظری

تابستان ۱۳۹۰

نظری، حسن آقا، ۱۳۲۸-

مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی / حسن آقا نظری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۰. هشت، ۱۲۸ ص. (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۸۶. اقتصاد؛ ۱۷) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)؛ ۱۴۹۰. اقتصاد؛ ۵۶)

ISBN: 978-600-5486-51-3

بها: ۱۹۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۱۱۹]-۱۲۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.

نمایه.

۱. اسلام و اقتصاد. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی. ج. عنوان.

۲۹۷/۴۸۳۳

BP ۲۳۰/۲ / م ۲ ۱۳۹۰

۲۲۲۶۹۶۳

شماره کتابشناسی ملی



مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی

تألیف: حسن آقا نظری

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ناشر همکار: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۰

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۹۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵۱-۲۱۱۱۱ (انتشارات ۲۱۱۱۳۰۰)، شماره: ۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۷۱۸۵-۳۱۵۱ • تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی آسکو، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۶۶۹۷۸۹۲۰ و Website: www.rihu.ac.ir Email: info@rihu.ac.ir

تهران: بزرگراه جلال آل احمد، تقاطع پل یادگار امام، روبه‌روی پمپ گاز، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تلفن: ۴۴۲۳۴۸۴۲-۳، شماره: ۴۴۲۴۸۷۷۷ □ تهران: خ انقلاب، خ ابوریحان، ش ۱۰۷ و ۱۰۹ - تلفن: ۶۶۴۰۸۱۲۰، شماره: ۶۶۴۰۵۶۷۸ Website: www.samt.ac.ir Email: info@samt.ac.ir



این یک وابستگی فکری است که انسان از مکتب خودش دست بردارد برود سراغ مکتب دیگران. از اقتصاد خودش دست بردارد برود سراغ اقتصاد دیگران، اقتصاد خودش را اصلاً نظر نکند، نفهمد که چیست، مثلاً اقتصاد اسلامی چیست اینها اصلاً نمی‌دانند، از شان پرسید که اقتصاد در اسلام چیست اصلاً نمی‌دانند.

صحیفه امام، ج ۱۱، ص ۱۸۱

پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخگویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند، امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقا کیفی و کمی منابع درسی از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، چهلمین کار مشترک خود را با انتشار کتاب مبانی بخش عمومی در اقتصاد اسلامی به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند. این کتاب به عنوان منبع کمک‌درسی برای دانشجویان رشته اقتصاد در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد تهیه شده است.

امید است علاوه بر جامعه دانشگاهی، سایر علاقه‌مندان نیز از آن بهره‌مند شوند. در پایان لازم می‌داند از مؤلف محترم حجت‌الاسلام والمسلمین حسن آقا نظری مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و ارزیابان محترم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدتقی گیلک و حجت‌الاسلام والمسلمین مجید رضایی سپاسگزاری و تشکر کند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱. وظایف و اهداف اقتصادی دولت در لیبرالیسم و اقتصاد اسلامی	
بخش اول: دولت و اهداف و وظایف اقتصادی آن در لیبرالیسم	۵
مقدمه: مروری بر قلمرو دخالت دولت در اقتصاد	۶
فصل اول: دولت آزادی اقتصادی (دولت حداقل دخالت در اقتصاد)	۸
فصل دوم: دولت رفاه	۱۱
بخش دوم: دولت حقوق متقابل (دولت اسلامی)	
فصل اول: مبانی دخالت دولت اسلامی	۱۷
۱. تمایز هویت دولت اسلامی و دولت غیردینی	۱۷
۲. محدوده اختیارات دولت اسلامی	۱۸
۳. اصول و معیارهای اولویت‌بندی هزینه دولت اسلامی	۱۹
۴. رابطه عدالت، رشد و آزادی	۲۰
۵. پاسخگویی دولت اسلامی	۲۱
فصل دوم: حقوق بنیادین وظایف و اهداف دولت اسلامی	۲۳
۱. حق همگانی در مورد ثروت‌های طبیعی	۲۴
۲. آزادی اقتصادی محدود	۲۵

پنج

۳	عدالت اجتماعی	۲۶
۳-۱	نظریه رالز درباره چپستی عدالت اجتماعی	۲۶
	نقد نظریه رالز	۲۹
۳-۲	عدالت اجتماعی از نظر اسلام	۳۰
	الف) مبانی معرف‌شناسی عدالت اجتماعی در اسلام	۳۱
	ب) چپستی عدالت اجتماعی (تساوی در حق یا تساوی در برابر حق)	۳۴
	فصل سوم: فرآیند توسعه زمینه‌ساز عدالت اجتماعی	۴۲
۱	پیشینه جایگاه دولت در راهبرد توسعه	۴۳
۱-۱	هدایت تجارت خارجی	۴۳
۲-۱	ساماندهی نظام مالی	۴۴
۳-۱	تشکیل سرمایه انسانی و دانش و دانایی	۴۴
۲	مبنای توسعه اجتماعی - اقتصادی از نظر آموزه‌های اسلامی (توسعه سرمایه انسانی)	۴۵
۱-۲	تحولات مفهوم توسعه	۴۵
۲-۲	تمایز مفهوم توسعه سرمایه انسانی و توسعه انسانی	۴۶
۳-۲	مروری بر پیشینه توسعه سرمایه انسانی	۴۷
۴-۲	سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش استعدادها	۴۹
۵-۲	بازسازی توسعه منابع انسانی بر اساس اندیشه اسلامی	۵۱
	نتایج	۵۷
۳	عدالت اقتصادی	۵۸
۳-۱	چپستی عدالت اقتصادی	۵۸
۳-۲	راهبردهای حقوقی عدالت اقتصادی	۶۰
	الف) کفالت عمومی	۶۱
	ب) کفالت دولت	۶۲
۳-۳	سیاست‌های راهبردی عدالت اقتصادی	۶۵
	الف) سیاست رویکرد به سازوکار بازار	۶۵
	ب) زیرساخت‌های سیاست‌های راهبردی مناسب	۶۷
	ج) سیاست‌های افزایش کارایی سازوکار بازار رقابت	۶۷
	د) سیاست‌های افزایش توان اقتصادی جامعه	۶۸
	ه) سیاست‌های مرتبط با کاهش فقر و توزیع مجدد درآمد	۶۸

۲. نظام مالیاتی کارآمد

۷۱	مفاهیم مالیه عمومی در آموزه‌های اسلامی
۷۲	فصل اول: مفاهیم درآمد مالیاتی در آموزه‌های اسلام
۷۲	مقدمه
۷۲	۱. انفال
۷۳	۲. فیه
۷۳	۳. طسق
۷۳	۴. قباله
۷۴	۵. عشر
۷۵	۶. خراج
۷۵	۷. مقاسمه
۷۵	۸. مقاطعه
۷۵	۹. «قطنع» و «صفایا»
۷۶	۱۰. اقطاع الاستغلال
۷۶	۱۱. بیت‌المال
۷۷	فصل دوم: مالیات‌های اسلامی با رویکرد فقهی
۷۷	۱. خمس
۷۸	۱-۱. درآمد خالص
۷۹	۲-۱. فعلیت درآمد
۷۹	۳-۱. درآمد کالایی
۸۰	۲. زکات و شرایط آن
۸۱	۱-۲. نرخ‌های زکات
۸۱	الف) نرخ زکات محصولات زراعی
۸۲	ب) نرخ زکات دام‌های سه‌گانه
۸۳	ج) نرخ‌های زکات نقدین (مسکوک طلا و نقره)
۸۳	۳. خراج
۸۳	۱-۳. مفهوم خراج و مقاسمه
۸۴	۲-۳. تفاوت ساختار حقوقی خمس و زکات با خراج
۸۸	فصل سوم: ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی
۸۸	۱. گستردگی پایه‌ها در مالیات‌های اسلامی

هفت

۱-۱. مالیات‌های ثابت	۸۹
۲-۱. مالیات‌های حکومتی با پایه ثابت و نرخ متغیر	۸۹
۳-۱. مالیات‌های حکومتی متغیر	۹۰
الف) مالیات بر درآمد	۹۰
ب) مالیات بر ثروت	۹۱
۲. یکنواختی نرخ‌های مالیاتی با پایه ثابت و نرخ ثابت	۹۲
۱-۲. نرخ تناسبی	۹۲
۲-۲. نرخ تصاعدی	۹۲
۳-۲. نرخ نزولی	۹۲
۳. نرخ مالیات با پایه ثابت و نرخ متغیر (خراج)	۹۴
۴. مالیات‌های اسلامی و توزیع درآمد	۹۷
۵. تأثیر مالیات‌های اسلامی بر رشد اقتصادی	۹۷
۱-۵. عرضه	۹۸
الف) اثر مالیات‌ها بر پس‌انداز	۹۸
ب) اثر مالیات‌ها بر سرمایه‌گذاری	۹۹
ج) اثر مالیات‌ها بر عرضه‌کار	۱۰۰
۲-۵. تقاضا	۱۰۱
فصل چهارم: نظام مالیاتی مطلوب با رویکرد آموزه‌های اسلامی	۱۰۳
مقدمه	۱۰۳
۱. گستردگی پایه مالیاتی	۱۰۵
۲. نرخ متناسب مالیاتی	۱۰۷
۳. شرایط اجتماعی - فرهنگی نظام مالیاتی مطلوب	۱۰۸
فصل پنجم: چالش‌های نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران و راه‌حل‌ها	۱۱۱
۱. تصویر کلی از عملکرد نظام مالیاتی کشور	۱۱۱
۲. زیرساخت ناهنجار مالیات‌ستانی در ایران	۱۱۶
۳. شکل‌گیری فرآیند هنجار تمکین مالیاتی	۱۱۷
منابع و مآخذ	۱۱۹
نمایه	۱۲۵

مقدمه

تاریخچه تئوری‌های علمی بخش عمومی بیانگر چالش ریشه‌دار درباره تعیین اهداف و وظایف دولت و مکانیزم تحقق آنهاست. گروهی مانند «هایک» دولت حداقل را مطرح و دخالت آن را در حوزه اقتصاد برنمی‌تابند. در مقابل گروهی با تفکرات سوسیالیستی، دولت حداکثر را پیشنهاد می‌کنند. بی‌شک ناکارآمدی این دو نگرش افراطی در تجربه عملی، زمینه‌ساز پیدایش نظریات اعتدال‌گرایانه در این ساحت بوده است از این رو تئوری دولت منضبط و کارآمد مطرح و در نتیجه دخالت دولت و هدایت‌گری آن در موارد شکست بازار و مکانیزم بازار در غیر این موارد پذیرفته شده است.^۱

از منظر اسلام، حاکمیت اهداف و وظایف اقتصادی بر عهده دارد. بر همین اساس دولت اسلامی با رویکرد دولت‌های مطرح در تئوری‌های کلاسیک و نئوکلاسیک تفاوت ماهوی دارد؛ از این رو، در بخش اول کتاب، دیدگاه کلی کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها به عنوان دولت آزادی اقتصادی و دولت رفاه به صورت فشرده بررسی می‌شود و سپس وظایف و اهداف اقتصادی دولت اسلامی مطرح خواهد شد. در بخش دوم نیز نظام مالیاتی کارآمد از نظر آموزه‌های اسلامی بحث و بررسی خواهد شد. فرضیه‌هایی که مباحث این دو بخش بدان‌ها می‌پردازد چنین است:

۱. دادگر، تاریخ تحولات اندیشه اقتصاد، ص ۵۳۶.

۱. دولت اسلامی، دولت حقوق متقابل ملت و دولت است؛
۲. یکی از مهم‌ترین وظایف دولت اسلامی، شکل‌دهی فرآیند توسعه انسان دوستانه است؛
۳. در این فرآیند، توسعه و عدالت اجتماعی اقتصادی دو محصول یک راهبرد به حساب می‌آید؛
۴. از جهت‌های کلی حاکم بر مالیات‌های اسلامی در زمینه پایه و نرخ مالیات و شرایط فرهنگی مالیات‌ستانی، می‌توان خطوط کلی نظام مالیاتی کارآمد و مطلوب را استنتاج نمود.

تحقیق در این فرضیه‌ها در قالب دو عنوان کلی ذیل انجام پذیرفته است:

۱. وظایف و اهداف اقتصادی دولت در اقتصاد اسلامی
 ۲. نظام مالیاتی کارآمد
- در عنوان نخست از موضوعات دولت آزادی اقتصادی و دولت رفاه به‌طور خلاصه و مقدماتی بحث می‌شود و سپس دولت حقوق متقابل، که محور اصلی بحث این قسمت را تشکیل می‌دهد به‌طور تفصیلی بررسی و پژوهش خواهد شد. در این محور به مباحثی از قبیل: حقوق بنیادین، وظایف و اهداف اقتصادی، عدالت اجتماعی، فرآیند توسعه زمینه‌ساز عدالت اجتماعی و مبانی توسعه اجتماعی اقتصادی (توسعه نیروی انسانی) و عدالت اقتصادی پرداخته شده است. در محور دوم نیز موضوعاتی همچون: مفاهیم مالیه عمومی در آموزه‌های اسلامی، مالیات‌های اسلامی با رویکرد فقهی، ویژگی‌های مالیات‌های اسلامی، نظام مالیاتی مطلوب با رویکرد به آموزه‌های اسلامی و چالش‌های نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران و راه‌حل‌ها تحقیق و پژوهش شده است.
- بی‌شک پژوهش‌هایی از این دست، گام اول به شمار می‌آید؛ امید است دغدغه‌داران اقتصاد اسلامی گام‌های بعدی را بهتر از این بردارند و زمینه تکامل این شاخه از دانش اقتصادی را که ضرورت همه‌جانبه دوران معاصر است، فراهم آورند.



وظایف و اهداف اقتصادی دولت در لیبرالیسم و اقتصاد اسلامی

- دولت و اهداف و وظایف اقتصادی آن در لیبرالیسم
- دولت حقوق متقابل (دولت اسلامی)

بخش اول

دولت و اهداف و وظایف اقتصادی آن در لیبرالیسم

- دولت آزادی اقتصادی (دولت حداقل دخالت در اقتصاد)
- دولت رفاه

مروری بر قلمرو دخالت دولت در اقتصاد

بی‌شک علم اقتصاد از یک سو انگیزه‌ها و رفتار افراد و جوامع را بررسی می‌کند و از سوی دیگر به ارزیابی تخصیص منابع به صورت بهینه و کارا می‌پردازد. شکست بازار در تخصیص بهینه منابع در مواردی دخالت دولت را در این موارد ضروری می‌سازد و در نتیجه، تحلیل و تفسیر جایگاه دولت در اقتصاد، یکی از بخش‌های مهم و تأثیرگذار این علم به شمار می‌آید؛ زیرا چگونگی دخالت دولت، میزان تأثیرگذاری، قلمرو دخالت دولت و آثار مثبت و منفی آن، از مسائل حیاتی است که تحولات گوناگونی را در ساحت نظریه‌های علمی پشت سر گذاشته است. در سه دهه (۱۹۰۰-۱۹۳۰) دو دیدگاه دربارهٔ قلمرو دخالت دولت در اقتصاد مطرح بوده است. دیدگاه دولت حداقلی فیزیوکرات‌ها و کلاسیک‌ها و دیدگاه دولت حداکثری در نظریه مارکسیسم در مقابل هم قرار داشتند. از دهه ۱۹۳۰ اندیشه جایگاه دولت در اقتصاد مختلط از جانب کینز ارائه شد. این اندیشه تا سال ۱۹۷۰، در ادبیات علمی اقتصاد بخش عمومی حاکم و افراط و تفریط بین دو نظریه دولت حداقلی و حداکثری را به‌طور نسبی کاهش داد. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون، روند تغییرات چشمگیر و در عین حال با شتاب در این باره شکل گرفته است، زیرا اندیشه دولت رفاه در همین دهه به کار گرفته شد و به‌طور طبیعی هزینه‌های آن افزایش یافت و در دهه ۱۹۸۰ بدین صورت مورد نقد قرار گرفت که دولت نسبت به بخش خصوصی در حوزه اقتصاد کارایی کمتری دارد. از این رو، موضوع خصوصی سازی و تعدیل ساختاری، در کانون توجه اقتصاددانان قرار گرفت. در سایه ناکامی تئوری تعدیل

در برخی کشورها، بار دیگر اندیشه دخالت بیشتر دولت در عرصه اقتصاد مطرح شد. کارآمدی دخالت دولت‌های ژاپن، کره جنوبی و کشورهای شرق آسیا در آماده‌سازی زیرساخت‌های فرآیند توسعه اجتماعی - اقتصادی در دهه‌های اخیر تأییدی است بر شکست نظریه تعدیل و خصوصی‌سازی در کشورهای در حال توسعه؛^۱ هر چند دخالت این دولت‌ها پس از شکل‌گیری زیرساخت‌ها کاهش یافت و سازوکار بازار جایگزین آن شد. بنابراین از تحولات تئوری‌های علمی و شتاب آنها در دهه اخیر درباره قلمرو دخالت دولت در اقتصاد جامعه می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظریه‌پردازان اقتصاد بخش عمومی با چالش‌های جدی مواجه‌اند. به‌طور کلی دو اندیشه سنتی در پیدایش این تئوری‌ها تأثیر مستقیم داشته است. دو اندیشه‌ای که از یک طرف تقابل دارند و از طرف دیگر کیفیت تلفیق آنها همواره چالش علمی و نظریه‌پردازی را در ساخت ادبیات دانش اقتصادی بخش عمومی به دنبال داشته است. در واقع عنصر آزادی اقتصادی در مناسبات اقتصادی جامعه به عنوان یک اصل و مبنا مورد توجه کامل «جان لاک» و دیگر اندیشمندان همفکر او بوده است، از این‌رو به دخالت حداقلی دولت در اقتصاد معتقد بوده است. در مقابل، خواست مردم در نظام‌های مردم سالار نسبت به تأمین حداقل رفاه اقتصادی از جانب دولت، زمینه شکل‌گیری تئوری‌های اقتصاد رفاه را به وجود آورده است. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت در واقع تلفیق منطقی و کارآمد بین اصل آزادی اقتصادی و تأمین حداقل رفاه افراد جامعه، مشکل اساسی و جدی نظریه‌پردازان بخش عمومی علم اقتصاد به شمار می‌آید. نظریات علمی متفاوت در بخش عمومی تلاش مستمری است در جهت بیان جواب صحیح به این سؤال که: قلمرو دخالت دولت در حوزه اقتصاد چیست و چگونه می‌توان آن را تعیین نمود؟ از این‌رو در این کتاب می‌کوشیم نخست مبنای حداقل قلمرو دخالت دولت، به عنوان آزادی اقتصادی و مبنای دخالت دولت بر اساس تأمین رفاه و کاهش فقر نسبی، به عنوان خواست مردم را به صورت فشرده تحلیل کنیم، تا اینکه زمینه پژوهش درباره حقوق متقابل دولت و مردم، به عنوان مبنای دخالت دولت و قلمرو آن در اقتصاد اسلامی، فراهم گردد.

1. *The New Palgrave a Dictionary of Economics*, vol.3, pp.1047-1053.

فصل اول

دولت آزادی اقتصادی (دولت حداقل دخالت در اقتصاد)

بر اساس اندیشه جان لاک (۱۶۳۲-۱۷۰۴م) همه انسان‌ها به نحو طبیعی آزاد و هم‌شأن و مستقل هستند.^۱ این قید به نحو طبیعی بیانگر آن است که آزادی و استقلال را کسی به انسان‌ها نمی‌بخشد، بلکه حق طبیعی آنهاست. مکتب کلاسیک و اندیشه اقتصادی آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰م) در این فضا شکل گرفته است که باید نسبت به آزادی در ساحت اقتصاد، سیاست، دیگر روابط اجتماعی حساسیت چشمگیر داشت. به همین دلیل این مکتب اصول ذیل را به عنوان خط مشی کلی فعالیت‌های اقتصادی جامع ارائه داد. هر فردی تمایل به پیگیری نفع شخصی خود دارد و باید از هرگونه محدودیت مصون بماند. وظیفه اساسی دولت، ایجاد نظم و امنیت در راستای دفاع از مالکیت خصوصی و حقوق همه‌جانبه آن است. رقابت در میان تمام کارگزاران اقتصادی (سرمایه‌داران کارگران، مصرف‌کنندگان) پذیرفته شده و کسی حق ندارد برای رقابت محدودیت انحصاری ایجاد کند.^۲

البته باید توجه داشت که اصول یاد شده در راستای دفاع از صاحب سرمایه شکل نگرفته، بلکه افزایش تولید را هدف قرار داده است، زیرا در فرآیند رقابت، از بین صدها صاحب سرمایه، که به دنبال بیشترین سود خود هستند، تنها تعدادی می‌توانند به فنون

1. Lock, *Two Treatise of Government*.

2. The Best Government is the Least Government.

این تعبیر در اندیشه آدام اسمیت مشهود است که: «مهم‌ترین دولت آن است که کمترین دخالت را در اقتصاد داشته باشد».

جدید برای کاهش هزینه و قیمت و نیز افزایش تولید دست یابند و دیگر سرمایه‌داران از حرکت رقابتی بازمانده و از دور خارج می‌شوند. بنابراین، همه سرمایه‌داران در جهت نوآوری تلاش خواهند کرد تا اینکه کالایی کم‌هزینه‌تر، فراوان‌تر و ارزان‌تر به مردم عرضه کنند. در این فرآیند سرمایه‌داران اجباراً مصرف خود را کاهش و پس‌انداز خود را افزایش می‌دهند و در نتیجه هر چند تعدادی از سرمایه‌داران از میدان فعالیت خارج می‌شوند، ولی سرمایه آنها از سوی دیگران خریداری و به کار گرفته می‌شود. پس سرمایه از بین نمی‌رود، بلکه حجم سرمایه‌گذاری کل جامعه افزایش می‌یابد، ذخایر فنی جامعه گسترش پیدا می‌کند و سرانجام کالاهای جدیدتر و ارزان‌تر همواره به مصرف‌کننده ارائه می‌شود. عملکرد این تئوری به اینجا منتهی شد که جامعه تولید می‌کرد و عمده این تولید به سرمایه‌گذاری تخصیص می‌یافت و در نتیجه در بلندمدت افزایش تولید را به دنبال داشت، ولی در سایه این افزایش تولید، افزایش سطح رفاه حاصل نمی‌شد؛ همچنان که فقر مطلق و نسبی نیز کاهش نمی‌یافت. در واقع اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم در کارنامه نظام سرمایه‌داری در اروپا مشکلات اقتصادی از قبیل بیکاری و فقر مطلق همچنان باقی مانده بود. از این رو ناآرامی‌های اجتماعی در کشورها شدت گرفته و دهه‌های اولیه قرن بیستم را به دوران آشوب اجتماعی و اعتراض عمومی تبدیل کرد. این نابسامانی‌ها در دهه ۱۹۳۰-۱۹۴۰ زمینه پیدایش نظریه کینز را فراهم آورد. بر این اساس این نظریه، به کارگیری دست نامرئی کلاسیک در نظام اقتصادی هر چند می‌تواند در سطح کلان و خرد تعادل در بازارهای مختلف اقتصادی را به وجود آورد، ولی این تعادل الزاماً اشتغال کامل نیست؛ زیرا هیچ نوع مکانیزم منطقی‌ای در سطح کلان برای حرکت دادن تعادل عمومی جامعه به سوی نقطه تعادل، اشتغال کامل در درون نظام ناب سرمایه‌داری وجود ندارد.^۱ به‌طور کلی از نظر کینز نقش دخالت دولت را می‌توان در سیاست‌های مالی و پولی خلاصه کرد. سیاست‌های مالی ناظر به افزایش هزینه‌های دولت (سیاست مالی انبساطی) و تدابیر مالیاتی با رویکرد توزیع درآمد است که از طریق آن می‌توان کاهش ساختاری تقاضای کل را جبران نمود. سیاست پولی نیز که از طریق

1. J. Keyens, *General Theory & Employment Interest and Money*, p.376.

بانک مرکزی اعمال می‌شود، ناظر به تنظیم حجم پولی در میزانی است که مانع از افزایش ساختاری نرخ بهره می‌شود و آن را در سطحی قرار می‌دهد که سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها و مصرف خانوارها را تشویق می‌نماید و در نتیجه افزایش تقاضای کل، زمینه اشتغال کامل را فراهم می‌آورد.

واقعیت این است که نوآوری تئوری کینز باعث شد که در نظام ناب سرمایه‌داری تغییراتی صورت پذیرد و تعیین وظایف تازه‌ای در این نظام بر عهده دولت قرار گیرد. جمع‌آوری مستمر و نظام‌دار آمار و اطلاعات اقتصادی، شکل‌دهی مدل‌های تفصیلی متکی بر مطالعات تئوریک اقتصادسنجی، انجام مطالعات وسیع تئوریک در زمینه سیاست‌گذاری اقتصادی، به‌ویژه در حوزه‌های بودجه و سیاست‌های پولی، در راستای مدیریت تقاضا در قلمرو مسئولیت دولت‌ها قرار گرفت.^۱

البته باید توجه داشت که سیاست‌های انبساطی پولی و مالی کینز در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به پیدایش تورم و سپس تورم همراه با رکود انجامید. اشکال اصلی نظریه اقتصادی کینز و سیاست‌های مبتنی بر آن عمدتاً بر این مبنا استوار است که او مسئله بیکاری و رکود اقتصادی را تنها برآمده از کمبود تقاضای کل می‌داند، در حالی که انواع مشکلات نهادی ممکن است توان تولیدی جامعه را کاهش دهد، بی‌آنکه عوامل تولید بالقوه تغییر کرده باشد. برای مثال، قانون کار، نرخ‌های مالیاتی سنگین، ساختار سازمانی و اداری می‌تواند سطح تولید را کاهش دهد. در وضعیت وجود این مشکلات نهادی، تحرک بخشیدن به تقاضای کل در سایه سیاست‌های انبساطی مالی و پولی رکود تورمی را به دنبال داشت و آنگاه در کشورهای صنعتی رونق اقتصادی جایگزین رکود شد و تورم کاهش یافت، که اصلاحات اقتصادی نهادی مهمی در جهت تولید صورت گرفت. نتیجه اینکه کینز در نظریه خود برای دولت، نقش تعیین‌کننده‌ای برای ایجاد اشتغال کامل و توزیع مناسب‌تر درآمد قائل شد. هر چند این نظریه نیز همانند نظریه آدم اسمیت، دو مشکل اساسی گسترش بیکاری و تورم را به سامان نرساند و به همین جهت تئوری دولت رفاه بر اساس خواست مردم مطرح شد.

1. *The New Plagiarism a Dignion of Economics*, pp.47-50, Keynesion Revolution.

دولت رفاه

در قرن نوزدهم خواست ملت به عنوان یک اصل اساسی مورد توجه حکومت ملی^۱ در ادبیات سیاسی مطرح شد و از آن زمان مشروعیت حکومت از راه رضایت عمومی اعلان شده از سوی مردم، بیان گردید. بر همین اساس در روابط بین ملت و دولت، زمینه توجه چشمگیر به خواست مردم در حوزه وظایف دولت فراهم آمد. به طور طبیعی انتظاراتی که ملت‌ها و شهروندان آنها از دولت‌های خود دارند این است که از بیکاری‌های دسته‌جمعی جلوگیری کنند. تأمین اجتماعی را به طور نسبی برای مردم به وجود آورند، تورم را مهار و زمینه‌های مساعد اجتماعی حقوقی و امنیتی را برای تشویق سرمایه‌گذاری ایجاد کنند. برای افزایش بازدهی تولید بکوشند و در جهت توزیع عادلانه ثروت و درآمد گام بردارند. کمترین حد سطح زندگی انسانی را که هیچ‌کس نباید امکانات پایین‌تری از آن داشته باشد، تأمین نمایند. علاوه بر اینها وظایفی از قبیل برقراری نظم و قانون و تضمین مالکیت‌های مشروع و اجرای قراردادهای و عقود خصوصی و تأمین امنیت داخلی و خارجی و دفاع از مرزهای کشور را به عهده گیرند. بی‌شک نظام اقتصادی هدایت شده‌کنیزی نمی‌تواند به صورت خودبه‌خود تأمین اجتماعی و توزیع مناسب‌تر درآمد را در بین اقشار جامعه به دنبال داشته باشد. بنابراین، وظیفه دولت در دوران پایه‌گذاری جامعه صنعتی به شدت متحول شده و نقش آن از عدم

1. nation state

دخالت دولت در امور اقتصادی، تا دخالت‌های حساب شده در جهت اهداف دولت رفاه، تغییر نموده است.^۱

درباره وظایف دولت رفاه هر چند اختلاف نظر وجود دارد، ولی برخی محدوده آن را تأمین کمترین درآمد برای قشرهای ضعیف و آسیب‌پذیر می‌دانند و عده‌ای علاوه بر آن، تأمین بهداشت و آموزش عمومی و نیز گروهی دیگر مسئله اشتغال و تضمین حقوق شهروندان را هم در این محدوده می‌بینند.^۲

ولی از تحولات اندیشه دولت رفاه می‌توان چنین نتیجه گرفت که اعمال برنامه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم در حوزه‌های مربوط به شکست بازار، انحصارات طبیعی، کالاهای عمومی و اجرای نظام بیمه‌های اجباری و حمایت و مساعدت‌های اجتماعی و به‌کارگیری مجموعه‌ای از سیاست‌های مالی - پولی برای مدیریت تقاضا، بخشی از وظایف دولت رفاه به حساب می‌آید. اصولاً دخالت دولت در ساحت‌های گوناگون اقتصاد جامعه، به تئوری‌های متنوع دولت رفاه محدود نمی‌شود، بلکه در سال‌های ۱۹۷۰م به بعد، تفکر لیبرالیسم منضبط را که راه سومی بین سرمایه‌داری خالص و سوسیالیسم است، می‌توان از خانواده اندیشه دولت رفاه دانست. این تفکر که از آن به مکتب اقتصادی بازار نیز یاد می‌شود، اصل آزادی بازار را با نوعی اصول توازن اجتماعی ترکیب می‌کند. در بُعد اقتصادی بر ساختار ویژه رقابت آزاد مالکیت خصوصی، آزادی قراردادهای اقتصادی تأکید می‌کند و در بُعد اجتماعی، دولت هماهنگی فرآیندهای اقتصادی، مبارزه با انحصارات، نظارت بر قدرت بازار، نظامی پولی - مالی، نظام قانونمند بازار کار و ساماندهی درآمدها و هزینه‌ها را بر عهده می‌گیرد.^۳

به‌طور کلی وظایف دولت رفاه را می‌توان در این اصول خلاصه کرد:

۱. احترام به مالکیت خصوصی و امنیت سرمایه؛
۲. تلاش در جهت حفظ رقابت در بازارهای مختلف اقتصادی؛

1. N. Barry, *Welfare State*; J. Hills, *The State of Welfare*.

2. Jessop, *Conservative Regimes and the Transition*;

H. L., Wilensky, *The Welfare State and Equality*, p.206 برای توضیح بیشتر ر.ک:

۳. دادگر، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، ص ۵۴۶-۵۴۷.

۳. اطلاع‌رسانی شفاف از طریق داده‌های آماری در حوزه‌های اقتصادی؛
۴. فراهم کردن زمینه‌های پژوهش منسجم اقتصادی در حوزه سیاست‌گذاری اقتصادی؛
۵. به‌کارگیری مدل‌های اقتصادسنجی کوتاه‌مدت، بررسی وضعیت گذشته و پیش‌بینی آینده؛
۶. تدوین و به‌کارگیری مجموعه‌ای کارا از سیاست‌های مالی - پولی برای مدیریت تقاضای کل؛
۷. استقرار نظام جامع تحقیق و توسعه در کشور و تلاش در جهت شکوفایی و رشد مداوم دانش و دانایی ملی؛
۸. تدوین و اعمال نظام‌های بیمه‌های اجباری و مساعدت‌های اجتماعی؛
۹. تدوین و اعمال برنامه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم و حوزه‌های مربوط به شکستن بازار انحصارات طبیعی و کالاهای عمومی.^۱

۱. عظیمی، «دولت در علم اقتصاد و توسعه اقتصادی»، فصلنامه فرهنگ اندیشه.

بخش دوم

دولت حقوق متقابل (دولت اسلامی)

- مبانی دخالت دولت اسلامی
- حقوق بنیادین وظایف و اهداف دولت اسلامی
- فرآیند توسعه زمینه‌ساز عدالت اجتماعی

وظایف و مسئولیت‌های بخش عمومی اقتصاد اسلامی
بر اساس حقوق بنیادین بنا نهاده شده است؛ از این رو
مشخصه‌های کلی حقوق، به عنوان مبنای حقوقی این
وظایف مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مبانی دخالت دولت اسلامی

۱. تمایز هویت دولت اسلامی و دولت غیردینی

یکی از ویژگی‌های اساسی دوران معاصر گسترش مردم‌سالاری است. مشروعیت فعالیت‌های دولت مبتنی بر رضایت شهروندان است که در قوانین مصوب از سوی نمایندگان منتخب آن انعکاس می‌یابد و اصطلاح دولت برخاسته از حقوق یا قانون، از همین جا نشأت می‌گیرد. در واقع خواسته‌های ملت و حقوقی که شهروندان از دولت‌های خود دارند این است که: از بیکاری دسته‌جمعی بکاهند، تا حدودی تأمین اجتماعی به وجود آورند، تورم را مهار کنند، روابط خصومت‌آمیز بین بعضی طبقات اجتماعی را بهبود بخشند، زمینه‌های مساعد اجتماعی، حقوقی و امنیتی را برای تشویق سرمایه‌گذاری تأمین کنند، در مسیر توزیع عادلانه ثروت‌ها و درآمدها گام بردارند، کمترین حد سطح زندگی انسانی را که هیچ‌کس نباید از آن سطح امکانات کمتری داشته باشد، تأمین کنند. دولت‌ها اضافه بر تأمین نسبی این حقوق و وظایف برقراری نظم و قانون، تضمین مالکیت‌های مشروع، اجرای قراردادها و عقود خصوصی و تأمین امنیت داخلی و خارجی را نیز بر عهده دارند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، در راه‌ماندگی، خدمات بهداشتی و درمانی را در قالب بیمه، حق همگانی دانسته شده است. همچنان که ایجاد زمینه‌های اشتغال، آموزش و پرورش تا پایان دوره متوسطه و تأمین امکانات و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی، از وظایف دولت می‌داند.

تمایز اساسی و تأثیرگذار دولت اسلامی با دیگر دولت‌ها را در تنظیم وظایف و اهداف مادی از قبیل ایجاد زمینه اشتغال و توسعه تأمین اجتماعی و خدمات پزشکی نمی‌توان جستجو نمود، بلکه زمینه‌سازی شکوفایی استعدادهای همه‌جانبه انسانی و به‌کارگیری توسعه منابع انسانی در راستای حرکت تکاملی آنها، از مسئولیت‌های ویژه دولت اسلامی به حساب می‌آید. به سخن دیگر، دولت غیر دینی هویت خود را در تحقق اهدافی از قبیل ایجاد ظرفیت اشتغال، کاهش تورم، توسعه تأمین اجتماعی می‌جوید و وقتی این اهداف تحقق یافت، رسالت خود را پایان یافته تلقی می‌کند، ولی دولت اسلامی این اهداف را زمینه‌ساز هدف دیگر، به عنوان حرکت تکاملی و رشد حیات انسانی می‌نگرد و بر این باور است که این وظایف زمینه‌ساز، با سیاست‌ها و سازکارهای متناسب با مختصات حیات انسانی انجام پذیرد. چون در متن واقعی زندگی اجتماعی - اقتصادی نمی‌توان بین تحقق این اهداف اقتصادی و آن حرکت تکاملی و انسانی فاصله زمانی یا اولویت برنامه‌ای در نظر گرفت، بلکه استراتژی تنظیم برنامه در واقع همزمانی و هماهنگی واقعی، منطقی بین انجام این وظایف و اهداف اقتصادی و زمینه‌سازی و تأثیرگذاری آنها در رشد و حیات انسانی و معنوی به‌طور همزمان، به عنوان یک اصل و استراتژی است که در برنامه‌های کوتاه و بلندمدت دولت اسلامی، مورد توجه قرار می‌گیرد. بر همین پایه، در قانون اساسی، اهداف و وظایف اقتصادی دولت به عنوان اهداف نهایی تلقی شده است و تلاش در جهت تحقق آنها نیز در راستای حرکت تکاملی، برنامه‌ریزی مناسب با این حرکت را می‌طلبد. در واقع تمایز هویت دینی دولت اسلامی و دولت غیر دینی را باید در ماهیت الگوی توسعه اجتماعی - اقتصادی و برنامه‌های بلندمدت، کوتاه‌مدت تحقق این الگو جستجو کرد.

۲. محدوده اختیارات دولت اسلامی

اصل و مبنا در حرکت و فعالیت انسان در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی، این است که از روی اختیار و آزادی باشد و تنها عاملی که این آزادی را محدود می‌کند، رعایت مصالح مادی و معنوی جامعه است. فرد تا وقتی که به مصالح جامعه آسیب و زیان

نرساند، آزاد است بر همین اساس همه دستورها و احکام اسلامی، مبتنی بر اصل آزادی و اختیار انسان است. این مبنا تأثیر مستقیم در محدوده اختیارات دولت اسلامی و حوزه آزادی اقتصادی دارد. و بر همین اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که از نظر آموزه‌های اسلامی، آزادی اقتصادی تا آنجا که دیگر ارزش‌ها و مصالح اجتماعی را تهدید نکند، به عنوان یک اصل، پذیرفته شده است. به سخن دیگر، نظام اقتصاد اسلامی یک نظام غیر متمرکز همراه با نظارت و اشراف است؛ زیرا کیفیت تشریح حقوق اقتصاد اسلامی نیز به گونه‌ای است که در تولید و توزیع به افراد و مسئولیت و نقش آنها توجه شده است. مثلاً مالیات‌ها و انفاق‌های دیگر از قبیل وقف که ابزار تأثیرگذار در عدالت و تأمین اجتماعی است، بر عهده افراد گذاشته شده است.

۳. اصول و معیارهای اولویت‌بندی هزینه دولت اسلامی

بی‌شک همه اهداف و وظایف دولت اسلامی در عرض یکدیگر و دارای یک رتبه نیستند؛ برای مثال هدف نظام اسلامی و حاکمیت سیاسی آن با اینکه هدف اقتصادی نیست، ولی بر اهداف اقتصادی تقدم دارد؛ زیرا در سایه حفظ نظام سیاسی می‌توان زمینه تحقق اهداف اقتصادی و غیراقتصادی را فراهم نمود. قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً^۱ خداوند برای کافران بر مؤمنان راه (تسلطی) قرار نداده است.

بنابراین، فرضیه‌های دفاعی و امنیتی که حفظ نظام اسلامی را در مقابل دخالت‌های گوناگون نظامی و غیر نظامی دشمنان، هدف‌گذاری می‌کند و همچنین هزینه‌های تأمین نظم و امنیت داخلی که زمینه‌ساز تحقق دیگر اهداف اجتماعی - اقتصادی است، اولویت بدیهی خود را دارد.^۲

همچنین تأمین نیازهای ضروری و اولیه که نظام حیات افراد جامعه به آنها وابسته است، نسبت به رشد رفاه عمومی تقدم دارد. بی‌شک در مناسبات اجتماعی - سیاسی

۱. نساء، ۱۴۱.

۲. امام خمینی (ره)، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۶۱؛ نایینی، تنبیه الملة یا حکومت از نظر اسلام.

معاصر تعلیم و تربیت، تأمین اجتماعی و دیگر زیرساخت‌های توسعه و رشد، تأثیر مستقیم و چشمگیری در حفظ نظام اجتماعی و ثبات دولت دارد. از این رو نمی‌توان ضرورت آنها را نادیده انگاشت. همچنان که شکل‌گیری شرایط مختلف اجتماعی-سیاسی دولت‌ها که الزامات خود را بر تنظیم اولویت‌ها تحمیل می‌نماید، یک واقعیت انکارناپذیر است که با توجه به این واقعیت غیر از اولویت حفظ نظام اسلامی، رتبه‌بندی دیگر اولویت‌ها از شرایط عینی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه تأثیر می‌پذیرد.

۴. رابطه عدالت، رشد و آزادی

در دهه ۱۹۵۰ برخی اقتصاددانان توسعه بر این باور بودند که توزیع نکردن عادلانه درآمد در روند توسعه اقتصادی در بلندمدت در مجموع به سود جامعه و اقتصاد خواهد بود؛ زیرا بالا بودن میل نهایی به مصرف در میان اقشار کم‌درآمد، توزیع عادلانه‌تر درآمدها فقط سبب افزایش قیمت‌ها یا واردات خواهد شد. البته آنگاه که توسعه اقتصادی مراحل اولیه را پشت سر نهاد، نیروی کار تخصص لازم را به دست می‌آورد و در نتیجه دستمزدها افزایش و بی‌عدالتی کاهش خواهد یافت. براساس این دیدگاه در مراحل اولیه توسعه، بین عدالت و روند توسعه تضاد وجود دارد که در مجموع به سود جامعه است و این تضاد را به نفع توسعه حل می‌کند و آن را بر عدالت مقدم می‌دارد.^۱ همچنان که برخی عقیده به تعارض میان آزادی و عدالت اجتماعی دارند، فردریک فون هایک هرگونه دخالت در نظم بازار به منظور دستیابی به توزیعی غیر از آنچه نظم بازار آن را به وجود می‌آورد، مستلزم تبدیل جامعه به یک سازمان است و چنین امری آزادی‌های فردی را که عمدتاً در سایه عملکرد خودجوش بازار ممکن شده، از بین می‌برد. وی بر این عقیده است که نظم بازار قدرت استبداد را در طول تاریخ بشر به‌طور چشمگیر محدود ساخته است و عدالت اجتماعی این دست‌آورد را در معرض خطر قرار می‌دهد.^۲

۱. قره‌باغیان، اقتصاد رشد و توسعه، ج ۱. ۲. غنی‌نژاد، درباره هایک، ص ۱۱۲.

بی شک با توجه به محدودیت‌های منابع اقتصادی هر جامعه تحقق همزمان اهداف مختلف، از قبیل عدالت، آزادی اقتصادی و توسعه رشد به طور همزمان، عملاً ممکن نیست و بر همین اساس، طبیعی است که در هر نظام اقتصادی اولویت‌بندی طبق معیارهای پذیرفته شده در آن نظام، انجام گیرد و برخی اهداف یاد شده بر بعضی دیگر ترجیح داده شود. در اقتصاد اسلامی نیز همچنان که در بحث اولویت‌بندی هزینه‌های دولت اسلامی اشاره شد، هر یک از اهداف اقتصادی نسبت به دیگری اولویت نسبی دارد و در شرایط مختلف اجتماعی، هر یک از این اهداف بر دیگری ترجیح داده می‌شود. هیچ‌یک از اهداف یاد شده مطلق و بدون قید نیست. آنچه در هر شرایطی باید مورد توجه قرار گیرد و اولویت مطلق دارد، حفظ نظام اسلامی است که در واقع یک هدف غیر اقتصادی است، اما هر یک از اهداف اقتصادی از قبیل توسعه و رشد، عدالت اجتماعی و آزادی اقتصادی بر طبق اقتضائات شرایط مختلف اجتماعی، اولویت نسبی پیدا می‌کنند. در واقع حل تزامن بین عدالت اقتصادی و آزادی اقتصادی یا بین عدالت اقتصادی و توسعه اقتصادی، یک معیار ثابت و مطلق ندارد، تا بر اساس آن معیار بتوان ادعا کرد در هر شرایط عدالت اقتصادی بر آزادی اقتصادی یا توسعه اقتصادی ترجیح دارد.

آنچه که می‌توان به عنوان یک اصل و مبنای ثابت از دیدگاه اقتصاد اسلامی بیان کرد این است که یک نوع تعادل و توازن بین آزادی اقتصادی و توسعه و رشد و عدالت اجتماعی، ضرورت غیر قابل انکار دارد، زیرا یکی از بایستگی‌های حاکم بر فرآیند توسعه، هماهنگی منطقی بین آزادی اقتصادی و عدالت اجتماعی است.^۱

۵. پاسخگویی دولت اسلامی

در قانون اساسی جمهوری اسلامی بر «مسئول بودن» مقام‌های حکومتی تأکید شده است. در این منشور قانونی هیچ مقام غیر مسئولی وجود ندارد. بدیهی است که «مسئولیت» همان «پاسخگویی» است و این دو تفکیک‌ناپذیرند بر همین اساس، دولت

۱. قانون اساسی جمهوری اسلامی اصل دوم، اصل بیست و هشتم و اصل چهل و سوم.

جمهوری اسلامی بر طبق اصل سوم قانون اساسی مسئولیت دارد که توان خود را برای رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه مردم در تمام زمینه‌های مادی و معنوی به کار گیرد تا روابط اقتصادی سالم بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت شکل گیرد. به طور کلی پاسخگویی دولت برابر قانون اساسی فراتر از پاسخگویی دولت‌ها در دیگر نظام‌هاست. بر همین اساس بررسی همه‌جانبه این موضوع تحقیق مستقل خود را می‌طلبد که در جای مناسب خود باید انجام گیرد.